

نشریه مستقل دانشجویی  
شماره ی ۱  
اسفند ۹۵  
نشریه: فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی



## گفت و گویی در باب تئاتر، هنر انسان ساز

یاسر الله بخشی

ویژگی هنر این است که حقیقت را از عقل به احساس تبدیل می کند.

ارسطو برای اولین بار تعاریف خود را از تئاتر کلاسیک در کتاب فن شعر بیان کرد تا به امروز در کشورهای غربی متداول است.

اما در کشور ما نمایش به معنای کلمه ی هنری وارداتی است و ریه در فرهنگ بومی ماندارد، طبیعتاً از نظریه پردازی به شکل ناب آن برخوردار نیست، آنچه این وضعیت را توجیه پذیر می کند نداشتن روندی مداوم و جاری در تاریخچه ی فعالیتهای نمایشی ماست که عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن نقش داشته است. تئاتر هنری آشکار ساز است و همواره نمودی از آزاد اندیشی و مردم سالاری در جوامع مختلف بوده است. تئاتر یکی از ارکان

تمدن بشری است. انسان بدون تمدن همان جاندار غار نشین است و این جاندار غار نشین به کمک تمدن تبدیل به انسان متمدن می شود و تمدن خودش را در عرصه ی جامعه پیاده می کند و در شکلی متمدنانه که لایق انسان است زندگی می کند، بنابراین به قول (ویل دورانت) در تاریخ تمدن به این مقوله می پردازد که اولین انسانی که طبق قانون، انسان دیگری را خورد انسان متمدن بوده، یک روشن فکر بوده برای اینک طبق قانون این عمل را انجام داده است. بعد می گوید چه چیزهایی سبب شد که انسان وحشی تبدیل شد به یک انسان متمدن، و جزء وسایل و واسطه هایی که انسان وحشی را تبدیل کرد به انسان متمدن، یکی راهنر تئاتر می داند.

**ویژگی هنر این است که حقیقت را از عقل به احساس تبدیل می کند.**

**آن لباسی که ما در زندگی روز مره مان به تن می کنیم با لباسی که روی صحنه می رویم دو چیز است. هر بازیگر با یک افزار روی صحنه می رود... اینها همه ی وسایلی هستند که ما با آن نمایش نامه را به نمایش تبدیل می کنیم.**

و معتقد است که میزان نزدیکی و دوری انسانها به تمدن یکی همین داشتن نظام تئاتر است و توصیه ای هم می کند که به نظر جالب است، می گوید: اگر شما به کشوری می روید و وقت چندانی برای شناخت فرهنگ و تمدن آن کشور ندارید بروید و چند تا نمایش آن کشور را ببینید. ببینید که در هنر تئاتر چه کردند در آغاز تئاتر، سروده های معنوی بود که مردمی آزاد آن را در فضایی باز می خواندند. کارناوال بود و جشن بود. بعد، طبقه های حاکم، تئاتر را به مالکیت خود درآوردند. و دیوارهای حایل را بنا کردند، اول، مردم را از هم جدا کردند، با جدا کردن بازیگران از تماشاگران - کسانی که بازی می کردن و کسانی که تماشا می کردند همه چیز پایان می یافت!

سپس، از میان بازیگران شخصیت محوی را از جمع دیگران جدا کردند.

تلقین عقاید آغاز شد. حال، مردمان فرودست خود را آزاد کردند و یک بار دیگر به دست خود تئاتر را می سازند. دیوارها باید فرو بریزند. تماشاگر دوباره بازیگر می شود و حایل های بین بازیگر و تماشاگر برداشته می شود. هنر تئاتر همانطور که می دانید یک سیستم است. یعنی یک بسیط نیست. یک هنر مرکب است.

تشکیک شده است از هنرهای مختلف که هر کدام هنر مستقلی هستند ولی وقتی به هنر نمایش می رسند به صورت عضوی و عنصری از هنر نمایش در می آیند.

یک نمایش چطور اجرا می شود؟ کارگردان کارش چیست؟ خب بزرگترین هنر کارگردان این است که یک پدیده ی هنری را که ما به آن می گوئیم نمایش نامه تبدیل کند به یک پدیده اجرایی که به آن م گوئیم نمایش. اما چگونه؟ باید بگوئیم که کارگردان می تواند کار را به صورت فردی انجام دهد، یعنی نمایش نامه را به صورت فردی تبدیل کند به متن اجرایی، یا آنکه می تواند با همکاری گروه این کار را انجام دهد. ما شخصیتی داریم در تئاتر به نام دراماتورژ یا نمایش نامه خوان، او کارش این است که متن ادبی را، فرضاً یک نمایش نامه نوشته ی شکسپیر را، به یک متن نمایشی تبدیل کند.

و می رود دست کارگردان، بازیگر و طراح صحنه می گوید که این نمایش را به آن صورت در بیاور چون نمایش نامه شماری از نشانه های گفتاری است و در ضمن یک دستور صحنه هم

وجود دارد، من نمیدانم شما چه مقدار نمایش نامه خوانده اید. نمایش نامه را نمی شود روی صحنه برد. مگر اینکه به متن اجرایی تبدیل شود. و آن کاری است که کارگردان می کند ما به عنوان کارگردان به متن دو جور رویکرد داریم. رویکرد نمایش نامه نویس گرا، رویکرد کارگردان گرا که منجر به پیدایش یک نوع کارگردان می شود که ما به آن می گوئیم کارگردان مولف. در هر دو حالت یک مرحله ی مقدماتی وجود دارد. وقتی که کارگردان به متن می رسد هفت نکته از متن باید استخراج کند. این هفت مورد عبارتند از: بن مایه یا مضمون کلی نمایش، نقشه داستانی و ساختار آن، زمان و مکان شخصیت ها، گفت و شنود، فضا و حالتو جنبه ی هنری اش. یعنی ما در هر مرحله ای، در هر شکلی از انتخاب باشیم باید این هفت مورد را استخراج کنیم. نمایش نامه دارای هفت بزنگاه یا هفت ساخت مایه است. که توصیه می کنم برای توضیحات بیشتر به دو کتاب دفن نمایش نامه نویس - نوشته ی لاجوس نگری ترجمه: مهدی قروغ و دیگری کتاب - نمایش نامه از آغاز تا پایان - نوشته ی دیوید بال ترجمه ی محمود کریمی حکاک را مطالعه بفرمایید.

مرحله ی دوم تبدیل نمایش نامه به ساخت مایه های نمایش:

ما وقتی که می خواهیم نمایشی را روی صحنه ببریم با هفده ساخت مایه طرف هستیم. که این هفده ساخت مایه عبارتند از:

بازیگری؛ که ساخت مایه ی بازیگری عبارت است از: حرکت، بیان، و شوگردها و شیوه های بازیگری. بعد می رسیم به جلوه ی ترفندهای دیداری و شنیداری (موسیقی، سرود، آواز از وسایل و واسطه های نمایش است) سپس نورپردازی، رنگ و لباس و جامگان است.

آن لباسی که ما در زندگی روز مره مان به تن می کنیم با لباسی که روی صحنه می رویم دو چیز است. هر بازیگر با یک افزار روی صحنه می رود... اینها همه ی وسایلی هستند که ما با آن نمایش نامه را به نمایش تبدیل می کنیم. چون نمایش نامه متنی ادبی است در نمایش عنصر دیگری هم داریم به نام تماشاگر و وجه اختلاف هنر تئاتر با دیگر هنرها آن است که مصرف کننده ی هنر تئاتر که تماشاگر باشد در نمایش حاضر است و اصلاً جزء نمایش است...

## خالق ارغوان

طاهره سلطانی

ارغوان شاخه ی هم خون جدا مانده  
ی من...

آسمان تو چه رنگ است امروز؟؟

آفتابییست هوا.. یا گرفتست هنوز...

هوشنگ ابتهاج: وی در ۶ اسفند ۱۳۰۶ در رشت دیده به جهان گشود... پدرش آقاخان ابتهاج از مردان سرشناس و معروف رشت بود. ابتهاج دوران دبستان را در رشت و دبیرستان را در تهران گذراند. عشق دوران جوانی ابتهاج که دختری ارمنی بوده دست مایه اشعار عاشقانه ای بوده که در ایام جوانی سروده... شعر کاروان ابتهاج (دیربست گالیا) اشاره به روابط عاشقانه و درگیری با مسائل سیاسی در دوران جنگ و بحران در ایران دارد...

ابتهاج در دوران پیش از انقلاب در سال ۱۳۴۶ به اجرای زنده شعر خوانی بر سر مزار حافظ میپردازد... دکتر باستانی پاریزی در سفرنامه ی خود به این شعر خوانی و هجوم سیل جمعیت اشاره میکند... از سال ۵۰ تا ۵۶ سرپرست برنامه ی گل ها در رادیوی ایران و پایه گذار برنامه موسیقی گلچین هفته بود...

وی پس از حادثه میدان ژاله (۱۷ شهریور ۵۷) به همراه محمد رضا لطفی، محمد رضا شجریان و حسین علیزاده به نشانه اعتراض از رادیو استعفا دادند... در این سالهای پس از استعفا به جز سیاه مشق ۲ که در سال ۵۲ چاپ شد اثر دیگری از وی منتشر نشد...

تعدادی از غزل ها و تصنیف ها و اشعار نیمایی ابتهاج توسط استاد شجریان و شهرام ناظری و حسین قوامی به اجرا در آمده است...

تصنیف معروف (ایران ای سرای امید) از

اشعار معروف سایه است. خاطره ای که درباره ی این تصنیف نقل شده ((وی هنگامی که در زندان اوین در بند به سر میبرده با شنیدن این تصنیف اشکش جاری میشود هنگامی که علت را از وی میپرسند در پاسخ میگوید که شاعر این قطعه خود من هستم...))

آثار ابتهاج: در سال ۲۵ مجموعه (نخستین نغمه ها) از وی منتشر شده... سراب نخستین مجموعه وی با اسلوب جدید که همان قالب چهارپاره با مضمونی از نوع تغزل و بیان احساسات فردی است... تصحیح او از غزل حافظ با عنوان (حافظ به سعی سایه) در سال ۷۲ به چاپ رسید... وی در مجموعه های بعدی خود اشعار عاشقانه را رها کرده و با کتاب شبگیر خود که حاصل سال های پر تب و تاب پیش از سالهای ۳۲ است به شعر اجتماعی روی می آورد...

مثنوی معروف (قصه خون دل) به یادآور و رثای احسان طبری پس از درگذشت او سروده شده است...

هوشنگ ابتهاج در سال ۹۱ در ۸۵ سالگی خاطرات خود را در گفت و گو با میلاد عظیمی بیان کرده... او در کتاب پیر پرنیان

در رابطه با آزادی خود از زندان بیان میکند ((در سال ۶۳ بعد از نامه ی محمد حسین شهریار به آیت الله خامنه ای و با این مضمون که وقتی سایه را زندانی کردند فرشته ها به عرش الهی گریه میکنند... سبب آزادی من فراهم شد و یک سال بعد از زندان آزاد شدم))

در سال ۵۸ سایه به همراه فریدون تنکابنی، به آذین، سیاوش کسرایی و چند تن دیگر از کانون نویسندگان ایران اخراج شدند...

سایه از سالهای اقامتش در رشت نسبت به فعالیت های سیاسی علاقه نشان داده و از میان احزاب موجود حزب توده را برگزیده اما در آثارش کمتر به مضامین سیاسی پرداخته و شعر وی بیشتر رنگ اجتماعی دارد...

در سال ۶۶ ابتهاج ایران را ترک و در شهر کلن آلمان اقامت کرد... الف. سایه هم اکنون در خارج از ایران به زندگی خود ادامه میدهد...



**سیاوشی: این دولت ها نیستند که جایگاه و حقوق زنان را بالا و پایین می کنند، بلکه مطالبات زنان است که بر اساس توانمندی های خود می توانند جایگاه خود را بیابند**

طیبه سیاوشی، نماینده ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون فرهنگی و نایب رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی می باشد. بر آن شدیم تا لحظاتی چند در حضور ایشان باشیم و مصاحبه ای با ایشان در مورد زنان و نقش آنان در جامعه امروزی داشته باشیم.

**۱) به نظر شما آیا اختصاص دادن روزهایی مانند ۸ مارس و ۲۵ نوامبر در رابطه با موضوع زنان انتخاب درستی است؟**

پاسخ آری یا نه به چنین سوالاتی ممکن نیست. ایام در گذر تاریخ و زمان شکل می گیرند و حتی گاه تغییر شکل می دهند. بی شک بزرگداشت روزی جهانی به نام زن در اوایل قرن بیستم آن هم به مناسبت تقدیر از زنان کارگر اتفاق بزرگی بوده است. اما در یکصد سال گذشته تغییراتی زیادی در خصوص موقعیت زنان در دنیا ایجاد شده است. همچنین اختصاص دادن روزی به نام خشونت علیه زنان هرچند شاید هنوز از میزان خشونت علیه زنان کاسته نشده است، اما می تواند توجه جهانیان را به مسایل زنان و مشکلات آنان جلب کند.

**۲) طبق قطعنامه هایی که در آن برابری زن و مرد مطرح شده است. به نظر شما این اصول تا چه حد میتواند به رفع این نابرابری**

**ها کمک کنند و پایبندی به این اصول در ایران و قوانین جمهوری اسلامی تا چه حد دیده میشود؟**

پیش از آنکه چنین اصلی در قطعنامه سازمان ملل گنجانده شده که بی شک حرکت بزرگی در آن دنیای ناعادلانه بوده است، کرامت انسان ها و برابری نفوس در ادیان توصیه شده بود. انسان ها جدای از نژاد، جنسیت، مذهب، رنگ و قومیت برابر و یکسان هستند. در خصوص حقوق یکسان زن و مرد نیز قانون اساسی تصریح دارد. اما باید به این نکته توجه کرد که با گذشت بیش از هفتاد سال از قطعنامه سازمان ملل آیا شاهد اجرای آن هستیم؟ حتی در کشورهایی که از مدعیان دمکراسی و برابری هستند آیا زنان به اندازه مردان توانسته اند به حقوق و جایگاه خود دست یابند؟ برای اجرای درست یک قانون باید زمینه های فرهنگی و اجتماعی آن هم ایجاد شود تا قانون بتواند تجلی داشته باشد. این نکته را هم نباید فراموش کرد که در موضوع زن و مرد، آنچه بیش از برابری مهم است، پذیرفتن تفاوت ها و تقنین قوانین بر اساس آن است تا با ایجاد هارمونی بین افراد یک جامعه اعم از زن و مرد بتوان بسترهای لازم برای ایجاد یک جامعه سالم را بنا نهاد.

**۳) آیا چارچوبی وجود دارد که بر اساس آن بتوانیم عملکرد دولت تدبیر و امید را نسبت به مسائل زنان بسنجیم؟ به نظر شما آیا مطالبات کلی زنان در خصوص حقوق خود در این دولت مورد پیگیری قرار گرفته است؟**

این دولت ها نیستند که جایگاه و حقوق زنان را بالا و پایین می کنند، بلکه مطالبات زنان است که بر اساس توانمندی های خود می توانند جایگاه خود را بیابند. دولت یازدهم از قضا کارنامه مثبتی در زمینه زنان داشته است. حضور معاونان رییس جمهوری

در کابینه روحانی، تعداد قابل توجه فرمانداران، بخشداران و شهرداران، اولین سخنگوی زن در وزارت خارجه، اعزام اولین سفیر زن از واقعیاتی است که نمی توان از آن چشم پوشید. زنان در هر دولتی باید در پی مطالبات خود باشند و خوشبختانه دولت یازدهم زمینه های مناسب را برای این فعالیت در اختیار زنان قرار داده است.

**۴) حضور زنان و عملکرد فراکسیون امید در مجلس دهم را چگونه ارزیابی میکنید؟**

تاثیرگذاری زنان در فراکسیون امید بسیار مشهود است در حال حاضر سه نفر از زنان فراکسیون امید سرپرستی دفاتر مختلف تهران را برعهده دارند و نمایندگان زن فراکسیون امید شهرهای دیگر نیز در حوزه خود و در کمیته های فراکسیون امید بسیار فعال هستند حاصل تلاشهای آنها در برنامه ششم توسعه ( در ماده ۱۱۶ ) ارتقاء وضعیت زنان بر پایه عدالت جنسیتی { و در ماده ۱۳۹ } توسعه ورزش همگانی به ویژه در حوزه زنان و معلولین { دیده خواهد شد

**۵) به نظر شما اعمال محدودیت های اجتماعی و ایجاد نهاد هایی مانند گشت ارشاد و... میتوانند از مصادیق خشونت و بد رفتاری با زنان تلقی شود؟**

خشونت علیه زنان ابعاد گوناگونی دارد، از بیان جوک های رد و بدل شده در شبکه های اجتماعی تا فروکاستن نقش زنان در برخی از برنامه های تلویزیونی، از سلطه و مرد سالاری در برخی از نهادهای تصمیم گیری تا محدودیت های اجتماعی در سطح شهرها. رفع آن اولاً نیازمند بالا بردن آگاهی های زنان در جامعه است و در کنار آن وضع قوانین مناسب تا بتوان زمینه خشونت ساختاری را در میان جامعه از بین برد.

## ۶) دلیل عدم موفقیت شکل گیری جنبش های اجتماعی زنان در ایران را چه میدانید؟ آیا نگاه های سنتی مسبب این امر است یا اعمال شرعیات؟

نمی دانم شما بر اساس کدام آمار و پژوهش از ناکامی جنبش های اجتماعی زنان سخن می گوئید که بتوان این سوال را پاسخ گفت. اصولاً جنبش اجتماعی را چگونه را تعریف می کنید؟ اگر به تاریخ نگاه کنیم مثلاً در زمان قاجاریه آیا شرعیات که بی شک در آن زمان بیشتر رعایت می شد و نگاه های قطعاً سنتی تر بود به نقش زنان، توانسته بود مانعی برای جنبش های زنان باشد؟ آیا در شکل گیری انقلاب اسلامی که چهل سال پیش در جامعه ای نسبتاً سنتی رخ داد، زنان قادر به ایجاد تحولات اجتماعی نبودند؟! طی سالهای گذشته آیا بیشترین همگرایی میان زنان برای احقاق حقوقشان نبوده است که در قالب سازمان های غیردولتی و کمپین های متفاوت خود را نشان داده است.

## ۷) مهم ترین مشکلات و آسیب های زنان جامعه ما در شرایط فعلی چیست؟

زن بعنوان محور خانواده شاید بیش از دیگر افراد در معرض آسیب های اجتماعی باشد، بخصوص اگر زنی بعزت اعتیاد یا درگذشت همسر، سرپرست خانواده هم باشد. امروزه زنان سرپرست خانواده در معرض مشکلات زیادی هستند که شاید بهتر باشد هم در مجلس و هم در سایر نهادهای قانونی و اجرایی مشکلات آن مورد توجه قرار گرفته و برای آن راه حل های کوتاه مدت و بلند مدت ارائه شود. عدم توجه جدی به این مساله می تواند آسیب های اجتماعی بیشتری برای جامعه به همراه داشته باشد و نه تنها زنان که کودکان و نسل آینده را هم با خطرات جدی تری رو به رو کند.

## ۸) به نظر شما دلیل حضور کم رنگ زنان در عرصه ی قدرت و سیاست چیست؟ آیا وضع قوانینی که طبق آن قوانین زنان حق انتصاب به پست هایی مانند ریاست جمهوری و... را ندارند در منزوی شدن زنان در عرصه ی قدرت تاثیر گذار است؟

مساله حضور زنان در عرصه های تصمیم گیری، قدرت و سیاست سالهاست که مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و حتی پیشقراول ترین کشورهای دنیا هم هنوز از نسبت حضور زنان در این عرصه ها خوشنود نیستند. تجربه نشان داده است که این قوانین نیستند که حضور زنان در این عرصه را کم تعداد کرده اند، بلکه بیشتر زمینه های اجتماعی و باورهای فرهنگی است. کشوری مثل ایالات متحده با سابقه دویست ساله در دموکراسی و آزادی و حقوق زنان طی چند سال گذشته در دو دوره کاندیدای زن برای ریاست جمهوری داشته است. چرا او نتوانست رای بیاورد؟ قانون او را منزوی کرده بود یا دلایل دیگری است که مانع از به قدرت رسیدن یک زن به ریاست جمهوری می شود؟ جمهوری اسلامی در اولین سالهای بعد از انقلاب اسلامی، تنها و اولین نماینده زن در خبرگان را کارنامه خود دارد، آیا اینکه پس از آن دیگر زنی راهی خبرگان نشد، به علت نبود قانون است.



همین که این در وامانده باز باز شود، همین که دست کسی سمت تو دراز شود،

همین که چند قدم... چند ضربه ی کاری

همین که زیر کتک -باز- دوستش داری...

خدا خدا بکنی و نفس نفس بزند

که التماس تو را -مثل مرررد- پس بزند

دعا کنی که نفس های آخرت برسد

و ترس داشته باشی برادرت برسد

«صدای سایه ی مردی که توسریت

شده»

طناب دار، که انگار روسریت شده-

که دست و پا بزنی بین دست و پا/زدنت

که چنگ میزنی و میخراشدت بدنت

که گرررر بگیرد/ت از چشمه های نیمه

ترت

که می زند به سرش، بعد می زند به

سرت،

پناه می بری از بی کسی به فحاشی:

کثافت عوضی.. «چند نقطه»ی لاشی

و بعد خون جلوی چشمه اش جمع شود

و هی کشییبیده شود ناخنت سر کاشی

صدای هرچه دم دستش است، توی

سرت!

که هرطرف بدوی زیر دست او باشی

بعد

یک لحظه

زمان بایستد و...

تویی که بر در و دیوار خانه می پاشی!

«محمود صالحی فارسانی»

## به بهانه ی ۸ مارس

### مآئده خوراسگانی

### جایگاه زن در ایران

در تاریخ معاصر ایران، زن همواره موجودی محروم از حقوق انسانی و اجتماعی بوده موجودی فراموش شده و مسخ شده که با تمام قابلیت‌هایش بی گانه مانده است.

زنان بایدخود را از قید بازی کردن نقشی که قرن هاست برای آنها تدارک دیده اند، برهانند و اصالت را در مبارزه، جوشش و خلاقیت بازیابند. زنان ما از واقعیت ملموس، زنده، زشت و زیبایی امروزی خود، حرکت خواهند کرد و با تیکه بر حقانیت انسانی و با نیروی خلاقیت رشد یابنده شان این واقعیت را تغییر خواهند داد. (گاهنامه ایران دخت / سال اول شماره ۵ بهمن ۱۳۹۵)

زنان موفق کسانی نیستند که چون مردان رفتار میکنند. زنان موفق با حفظ همه خصوصیات و خلصت های زنانه خود، به پیشرفتهای مادی و معنوی دست می یابند.

این دختران جسور میدانند که تنها با خود بودن و کشف حقیقت انسانی و احترام به ماهیت زنانه خویش میتوانند به قله ترقی و موفقیت نائل آیند. به زن بودن و به این همه انرژی خلاق خود ببالید.

### نقض حقوق زنان در ایران

و تبعیض جنسیتی در این کشور است. ادعای همیشگی غرب علیه ایران نقض آزاد

برای مطرح شدن این موضوع است. این ن در حالی هست که بی بی سی آمار خشونت جنسی در بین زنان اروپایی این طور بیان میکنند: از هر سه زن یکی در اروپا مورد خشونت و آزار جنسی قرار میگیرد. این آمار همه ۲۸ اتحادیه اروپا را برمیگیرد. این موسسه از ۴۲ هزار زن که بین ۱۸ تا

۷۴ سال سن دارند ۳۳ درصد سوال کرده که آیا مورد خشونت جنسی و جسمی قرار گرفته اند که پاسخ مثبت داده اند و بعضی از افراد هر رو مورد را تجربه کرده بودند زنان گفتند که خشونت را در کودکی تجربه کرده اند و بیش از دو سوم افرادی که قربانی خشونت جنسی طرف از طرف شوهر یا ۱۲ درصد دوستان بوده اند که به پلیس مراجعه نکرده اند. در حالی که آمار رسمی در ایران نشان میدهد زنان بسیار کمتر مورد آزار جنسی قرار گرفته اند.

### ۲۱ نوامبر روز جهانی خشونت علیه زنان



### برابری حقوق زنان با حقوق حیوانات

علمای عربستانی در حکم عجیب حقوق زنان را با حقوق حیواناتی همچون بز و شتر برابر دانستند! به گزارش باشگاه خبرنگاران و نقل ارز نیوز- ساعات پیش از آغاز روز جهانی زنان علمای صئودی حکمی را صادر کردن که براساس آن زنان را همچون بز و شتر دانستند. این در حالی است که انجمن حمایت از

حقوق زنان این حکم علمای عربستانی را تعریفی توصیفی دانستند.

### تساوی حقوق زنان و مردان در قرآن کریم

زنان و مردان در حقوق فراوانی مانند حق حیات، حق آزادی بیان و پرسشگری، و مانند آن برابر شمرده شده اند. هم چنین در روایات و فقه اسلامی برخی از حقوق میان زن و مرد به طور مساوی در نظر گرفته شده است، مثل حق انتخاب همسر، حق برخی از فعالیت های تجاری و اقتصادی هم چون مضاربه و تجارت همین امر نشان میدهد که اصل نخست در حقوق زن و مرد از دیدگاه قرآن تساوی آنها است. (سوره نساء، آیه ۳۲)



کتاب سیدارتا با نثری فلسفی و سرشار از آموزه های انسانی، حدود ۹۱ سال پیش توسط هرمان هسه، تحت تاثیر مذاهب شرقی و آیین های مذهبی نوشته شد. مفاهیمی که همیشه نو و تازه است و رنگ کهنگی بخود نمی گیرد. او در این اثر شعر و نویسندگی را با هم در آمیخته و طرحی نو برانگیخته است. هسه، در خانواده ای مذهبی پرورش یافت و تاثیر عرفان و اندیشه در آثارش کاملا مشهود است. سیدارتا داستان فلسفی است در باب وظیفه ی انسان در زمین. این داستان دارای تجربه های متفاوتی است که برای خواننده کاملا ملموس است. تجربه هایی که شاید هیچ گاه حتی نتوانیم از نزدیک با آنها آشنا شویم. تجاربی که برای هر آدمی برداشتی متفاوت دارد که تفاوت این برداشت ها تفاوت در دید انسانهاست.

برداشت شخص من از این داستان کشف حقیقت و خود شناسی است. کتاب روایت سیدارتا پسر کنجکاو و اهل اندیشه ای است که در طول زندگیش سوالات زیادی ذهنش را درگیر کرده اما پاسخی برای آنها نیافته. او با خود می اندیشید چرا با اینکه غسل نیکوست گناه را نمی زاید و دل افسرده را شادمان و آزاد نمی سازد؟

سیدارتا چون نتوانست پاسخ این سوالات را پیدا کند تصمیم گرفت بر خلاف میل باطنی پدرش خانه و خانواده را ترک کرده تا پاسخ این سوالات را پیدا کند. در این راه یکی از دوستان سیدارتا به نام گویندا با او همراه می شود. در ابتدای این مسیر، این دو پسر جوان با مرتاضان آشنا شده و راه و

رسم زندگی آنها را آموختند و به شیوه مرتاضان زندگی کردند. اما پس از مدتی سیدارتا دریافت این راه و رسم زندگی نمیتواند او را خشنود و راضی نگه دارد. پس مرتاضان را رها کرد.

بعد از آن این دو پسر جوان با گوتاما یعنی همان بودا آشنا شدند. بودا موعظه کرد و از دردها و رنج ها گفت و همینطور راه رهایی از این درد و رنج ها



را نیز. پس از آن گویندا تصمیم گرفت تا از پیروان بودا شود اما سیدارتا در تعالیم بودا ایراد و اشکالاتی می دید به همین دلیل بودا را نیز ترک کرده تا خود به تنهایی هدفش را بیابد.

بعد از آن سیدارتا با زنی زیبا به نام کماله آشنا شد و مزه ثروت، شهوت و قدرت را چشید. پس از گذشت مدت زمان طولانی به خود آمد و به یاد آورد که برای بدست آوردن اینها نبوده که خانه و خانواده را ترک گفته پس تصمیم بر ترک آنجا گرفت و کماله را رها کرد. پس از آنکه احساس میکند این تجربیات نتوانسته کمکی به وی کند به

کنار رودخانه ای رفته و تصمیم بر خود کشی میگیرد. اما در این هنگام به یاد کلامی در دعای برهمنان می افتد که انسان را به ادامه راه و رسیدن به کمال فرا می خواند.

در کنار این رودخانه با یک قایقران آشنا می شود و در کنار او زندگی جدیدی را شروع می کند. این قایقران به او یاد می دهد که به صدای رودخانه گوش دهد و با رودخانه حرف بزند.

در یکی از روزهای زندگی سیدارتا در کنار رودخانه زنی را میبیند که به همراه فرزندش می خواهد به دیدن بودا برود اما این زن که ماری او را نیش زده و در حال مرگ است همان کماله است و سیدارتا به محض دیدن، او را می شناسد و درمیابد که فرزند نیز پسر اوست. بعد از مرگ کماله این پسر نزد پدر می ماند و سیدارتا سعی میکند تا با محبت و عطف با وی رفتار کند. اما پس از مدتی پسر سیدارتا نتوانست به زندگی در آن محیط ادامه دهد و پدر و زندگی در کنار رودخانه را رها می کند. سیدارتا که بعد از دیدن پسرش عشق را دریافته بود بسیار متاثر شده و در صدد آن می شود که به دنبال پسرش برود. در همان حین که به دنبال پسرش می رود تصویر خود را در رودخانه می بیند و به یاد پدرش می افتد و اینکه خود او نیز پدرش را ترک کرده بود.

سیدارتا اکنون دریافته بود که هیچ معلمی نمی تواند راه رستگاری را به او نشان دهد، او خود باید تجربه می کرد و به نا امیدی می رسید و دوباره زندگی نوین خود را آغاز می کرد.

نشریه مستقل دانشجویی  
شماره ۱ اسفند ۹۵  
صاحب امتیاز: فاطمه هاشمی  
مدیر مسئول: فاطمه هاشمی  
مجله: فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی

